

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سرکشی امپراطوری دارایی های سمی بانک  
ها

محمد قربانی

کارشناس ارشد حسابداری ، بانک توسعه تعاون -استان آذربایجان شرقی

آدرس پست الکترونیک [gorbanitehran@gmail.com](mailto:gorbanitehran@gmail.com)

وب سایت [www.gorbaniaccount.ir](http://www.gorbaniaccount.ir)

## چکیده

امروزه یکی از مهمترین معضلات و مشکلات فعلی نظام بانکی ایران وجود دارایی‌های سمی در ترازنامه بانک‌ها است. حجم این دارایی‌ها در دو دهه اخیر افزایش چشمگیری یافته است و معضلات زیادی را برای شبکه بانکی ایجاد کرده است. کاهش سلامت نظام بانکی، تنگنای مالی، انجماد دارایی‌ها، کاهش سوددهی و ... از جمله نتایج افزایش دارایی‌های سمی بانک‌ها است. حاکمیت شرکتی بعنوان ابزاری قدرتمند برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمان‌ها قلمداد میشود. همان‌طور که گفته شد، حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بحث حاکمیت شرکتی در پاسخ به برخی مشکلات موجود در مدیریت شرکت‌ها، بعنوان مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر روابط مدیران، سهامداران و حساب‌برسان شرکت تعریف شده است که چارچوبی برای هدایت و اداره مؤثر، کارآمد و صحیح بنگاه‌های اقتصادی، در جهت حداکثرسازی منافع سهامداران ایجاد میکند. حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری دارای چهار رکن انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری است که در تمام چارچوب‌ها فارغ از تنوع ساختار فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی کشورها قابل طرح است. با توجه به اینکه هدف غایی این پژوهش تحلیلی بر نقش حاکمیت شرکتی بر سرکشی امپراطوری دارایی‌های سمی است و حاکمیت شرکتی وظایف خطیری از جمله تعیین‌کننده نحوه تفویض اختیار و مسئولیت در فعالیت‌ها و امور بانکی است که توسط هیأت مدیره و مدیریت ارشد اداره می‌شوند، چون هیأت مدیره مسئول امور کلی بانک مبنی بر تصویب و نظارت بر اجرای اهداف راهبردی، چارچوب راهبردی و فرهنگ سازمانی بانک است که در عوامل اصلی شکل‌گیری دارایی‌های سمی خصوصاً مطالبات غیرجاری نقش مهمی دارند، بنابراین حاکمیت شرکتی مؤثر و کارا، امری ضروری در عملکرد مناسب سم‌زدایی دارایی‌ها، در بخش بانکی و به طور کلی اقتصاد تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، دارایی‌های سمی، نظام بانکی، استراتژی، ساختار مالکیت، سم‌زدایی

در سالهای اخیر نوآوری های سریع و بین المللی شدن جریانهای مالی، چهره بانکداری را بیش از پیش تغییر داده است. مقررات زدایی<sup>1</sup> و پیشرفت فناوری برای بانکها و مؤسسات مالی مشابه، فرصت های جدیدی را به وجود آورده و بدین سبب فشارهای رقابتی افزایش یافته است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ حاشیه سود عملیات متعارف بانکی کاهش و الزامات کفایت سرمایه افزایش یافت. بانک ها در عرصه های جدید با آینده نگری و تمهیدات مناسب و رو به جلو، به مقابله با اینگونه چالش های تازه پرداختند. رشد بازارهای مالی بین المللی و تنوع فزاینده ابزارهای مالی، امکان دستیابی بانکها به منابع مالی را افزایش داده است. در چنین شرایطی بازارها به سرعت گسترش یافته و فرصت هایی برای طراحی محصولات جدید و ارائه خدمات بیشتر ایجاد گشته است. در ایران بانک ها، بزرگ ترین نهاد مالی بوده و اعتبارها رگ حیات سیستم بانکی و تمامی واحدهای اقتصادی می باشد. همچنین توزیع اعتبارها برای هر دو بخش متأثر از سیاست های کلان اقتصادی، بخصوص در حوزه مالی و پولی هستند. از آنجاکه بانک های کشور از لحاظ سرمایه بیشتر دولتی هستند در نتیجه اولین توجه به منظور تأمین منابع به سوی بانک ها معطوف میشود

امروزه نگرانی عمومی مدتی است که ترجیح بند گفتار اقتصاد ایران موضوع صورت های مالی بانک ها و همچنین دارایی های منجمد آنها است. نقد نشدن این دارایی ها در بازار مشکلاتی را برای بانک ها ایجاد کرده است. به گواه آمارهای ارائه شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی، نزدیک به نیمی از مجموع دارایی شبکه بانکی در قالب «دارایی سمی» از چرخه اعتبار خارج شده است. نسبتی که به عقیده کارشناسان نگران کننده است و هرچه زودتر باید چاره ای برای کاهش آن اندیشیده شود.

---

<sup>1</sup> Deregulation

## بیان مساله

### دارایی های سمی

تعریف دارایی<sup>۲</sup>: منابعی که دارای ارزش اقتصادی هستند و افراد، شرکت‌ها یا دولت‌ها مالکیت آن را در اختیار می‌گیرند و انتظار دارند آن منابع در آینده منافعی را برای آن‌ها ایجاد کنید، دارایی گفته می‌شود. دارایی یکی از اقلام ترازنامه را تشکیل می‌دهد.

تعریف دارایی های سمی<sup>۳</sup>: به آن دسته از دارایی‌های مالی گفته می‌شود، که قابلیت نقدشوندگی آنها، از دست رفته و بازار ثانوی برای معامله آنها نیز بدلیل کمبود تقاضا، دیگر موجود نیست. در مواردی از این چنین معمولاً بازاری برای خرید و فروش این دارایی‌ها موجود نمی‌باشد و نگهداری این نوع دارایی‌ها، بمعنای ضرر قطعی تلقی می‌شود.

تعریف دارایی های سمی از دیدگاه اتحادیه اروپا: در تعریف اتحادیه اروپا دارایی‌های سمی باید حداقل یکی از سه ویژگی زیر را داشته باشند.

۱- قیمت ذاتی دارایی بسیار بیشتر از قیمت بازار آن باشد.

۲- ممکن است قیمت بازار دارایی در حال حاضر پایین تر از قیمت ذاتی آن نباشد اما انتظار می‌رود دارایی مذکور در آینده منجر به زیان شود.

۳- ممکن است ارزش بازار فعلی و آتی دارایی زیان آور نباشد اما در بلندمدت هزینه‌های تامین مالی را برای بانک افزایش دهد.

اتحادیه اروپا دارایی‌های سمی را به سه دسته تقسیم کرده است؛ تامین مالی ساخت یافته، محصولات اوراق بهادار شده (نظیر اوراق بدهی به پشتوانه دارایی یا بدهی و اوراق رهنی) و تسهیلات بانکی. با توجه به سنتی بودن نظام بانکی ایران، رد پای دارایی‌های سمی در ایران عمدتاً در بخش تسهیلات بانکی مشاهده می‌شود.

---

<sup>2</sup> Asset

<sup>3</sup> Toxic Assets

## عوامل شکل‌گیری دارایی‌های سمی

عمده‌ترین دلایل شکل‌گیری چنین وضعیتی از یک سو به عوامل بیرون از بانک‌ها نظیر تسهیلات تکلیفی، شرایط نامطلوب اقتصادی، بهره‌وری پایین کسب و کار و مشکلات موجود در نظام توثیق، ارزش‌گذاری و تملیک وثایق در رهن گذاشته‌شده اشاره کرد بخشی از ناتوانی بانک‌ها در وصول مطالبات خود ناشی از وضعیت اقتصادی کشور است و عده‌ای که در راستای تولید و توسعه صنعت و اقتصاد کشور وام دریافت کرده‌اند در پی ایجاد مسائل اقتصادی همچون تورم و قاچاق بی‌رویه قادر به فروش محصول خود نیستند که این مسائل کمبود نقدینگی را رقم زده و در نهایت منجر به پرداخت نکردن بازپرداخت بدهی خود به بانک‌ها شده است سهم بالایی از تسهیلات اعطایی شبکه بانکی (به صورت متوسط ۱۵ درصد) به مطالبات غیرجاری تبدیل می‌شود. نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات (NPL) در بانک‌های خصوصی بیشتر از سایر بانک‌هاست. این نسبت در بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۸۸ به اوج ۳۴ درصد و در سنوات اخیر به محدوده ۲۰ تا ۲۵ درصد رسیده است. در حالی که متوسط جهانی این نسبت در حدود دو تا پنج درصد است. براساس ناگرهای بانک مرکزی نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات از ۱۵/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۲/۱ درصد در پایان سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است که بخشی به دلیل سخت‌گیری بانک‌ها در وصول مطالبات و بخش عمده‌ای به دلیل استمهال مطالبات معوق است.

با توجه به اینکه کل مانده بدهی بخش دولتی و غیردولتی به بانک‌ها در پایان سال ۱۳۹۳ در حدود ۷۳۵ هزار میلیارد تومان بوده است، ارزش دفتری تسهیلات غیرجاری در پایان سال ۱۳۹۳، با احتساب نسبت فوق‌الذکر، در حدود ۸۹ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. مانده بدهی بخش دولتی و غیردولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پایان نیمه نخست سال ۱۳۹۴ به حدود ۷۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که با فرض ثابت ماندن در این زمان نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات (NPL)، میزان تسهیلات غیرجاری نیز به حدود ۹۳ هزار میلیارد تومان بالغ شده است.

## دلایل اصلی پیدایش مطالبات غیرجاری

بخش اعظم مطالبات غیرجاری در سال‌های اخیر (حدود ۶۰ درصد) نیز به دسته مطالبات مشکوک‌الوصول با احتمال وصول پایین تعلق دارد. از سوی دیگر می‌توان به عوامل درونی نظام بانکی نظیر قدیمی بودن مدل کسب و کار که موجب ناکارآمدی سیستم و روش‌های موجود در صنعت بانکداری کشور شده است، اشاره کرد. همچنین از موضوعاتی نظیر فقدان سیستم اطلاعاتی منسجم در شناسایی و ارزیابی مشتریان اعتباری، ضعف در فرآیند اعتبارسنجی و مشکلات نظارت اعتباری در سیستم داخلی بانک‌ها نیز نباید غفلت کرد.

عوامل درونی و بیرونی موثر بر شکل‌گیری مطالبات معوق باعث شده است در سال‌های اخیر رشد مطالبات معوق و انباشت این دارایی‌های سمی، نظام بانکی را در شرایطی قرار دهد که از استانداردهای قابل قبول

دنیا فاصله بگیرد. منابع قفل شده بانک‌ها اکنون به لحاظ حجم و کیفیت پایین این‌گونه دارایی‌ها نظام بانکی کشور را در مرز هشدار قرار داده است و بیم آن می‌رود که از کارآمدی بانک‌های ما بکاهد. نمونه آن ورود برخی بانک‌ها به سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و ساخت و سازهای لوکس یا مگامال‌هاست که سبب شده با توجه به رکود بخش مسکن این املاک بدون مشتری بمانند و منابع بانکی در آن حصر شود. از آنجا که برخی کارشناسان چشم‌انداز خوبی برای بازار مسکن در بخش ساختمان‌های لوکس و مگامال‌ها می‌دیدند، به همین خاطر منابع بسیار زیادی وارد این نوع ساخت و ساز شد و سیستم بانکی به خاطر آنکه نرخ سود مبادله‌ای‌اش در فشار اداری سنگینی قرار گرفته بود، گریزگاه خود را، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان می‌دید و در نتیجه حجم زیادی از منابع بانکی، در تهران و شهرهای بزرگ به بخش ساختمان سرازیر شد.

بخش عمده ای از سودآوری بانک‌ها در سال‌های گذشته به دلیل ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات در سال‌های اخیر و افزایش شعب آنها بوده است که با افزایش ارزش دارایی‌های ثابت، به شکلی غیرواقعی بیانگر سودآوری آنها بود. در حالی که این کار موجب شده هم نسبت دارایی‌های آنها از سقف تعیین شده بیشتر شود و هم در صورت فروش، ارزش این دارایی‌ها بسیار کمتر از ارزش ثبت شده آنها خواهد بود.

نقش سیستم بانکی در جریان نقدینگی را می‌توان به قلب تشبیه کرد. به‌طور معمول بانک‌ها بخش عظیمی از سپرده‌های دریافتی خود را به شکل تسهیلات در اختیار متقاضیان منابع قرار می‌دهند و از این طریق جریان نقدینگی به سمت بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌آورند، اما این جریان نقدینگی در برخی از موارد دچار سکنه می‌شود. برای مثال وقتی بانک برخی از منابع خود را از جریان اعتبار خارج می‌کند و به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، بازار مسکن و غیره می‌پردازد. یکی دیگر از عواملی که سبب لخته شدن جریان نقدینگی در بدنه اقتصاد می‌شود، عدم وصول مطالبات ناشی از تسهیلات بانکی است.

### طبقه بندی دارایی‌های سمی

گرچه به سه شاخص اتحادیه اروپا برگردیم متوجه می‌شویم که نظام بانکداری ایران با سه نوع دارایی سمی مواجه است؛ نوع اول مربوط به حدود ۶۰ درصد از ارزش دارایی‌های بانکی است که در بنگاهداری و دارایی‌های به غیر از تسهیلات سرمایه‌گذاری شده است. این دارایی‌ها هر سه شاخص مورد نظر اتحادیه اروپا را ممکن است داشته باشند. بسیاری از بانک‌ها با شرکت‌هایی در ترازنامه مواجه هستند که در شرایط رکود فعلی صرفاً به مدد دسترسی آسان به تسهیلات بانکی در حال فعالیت هستند و بانک‌ها برای حفظ ارزش سهام خود حاضر به افشای کامل اطلاعات این شرکت‌ها نیستند. این شرکت‌ها علاوه بر درگیر کردن صورت‌های مالی بانک مالک، صورت‌های مالی سایر بانک‌ها را نیز درگیر کرده‌اند زیرا با توجه به ممنوعیت اعطای تسهیلات ذی‌نفع واحد، این شرکت‌ها به سایر بانک‌ها معرفی شده‌اند و به تکرار این رفتار از سوی سایر بانک‌ها، مجموعه‌ای از شرکت‌های متعلق به بانک‌ها یا سهامداران بانک‌ها در حال فعالیت هستند که به صورت زنجیره‌ای و ضربدری از نظام بانکی تسهیلات دریافت

کرده‌اند. دو نوع دیگر از دارایی‌های سمی در نظام بانکی مربوط به تسهیلات غیرجاری است. مطالبات معوق، مطالبات سررسید گذشته و مطالبات مشکوک‌الوصول، تماماً دارایی‌هایی هستند که اول، به دلیل ریسک نکول بسیار زیاد، ارزش بازاری بسیار پایینی دارند و دوم، به دلیل بلوکه کردن دارایی‌های بانک از یک سو و ذخیره اختصاصی گرفتن از سوی دیگر، توانایی خلق نقدینگی و هزینه تامین مالی را برای بانک به شدت افزایش می‌دهند.

جمع کل دارایی‌های بانک‌ها و موسسات اعتباری تا پایان شش‌ماهه اول ۱۳۹۴ برابر با ۱۷۸۸ هزار میلیارد تومان بوده است که ۱۱۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به بدهی بخش دولتی، ۶۶۰ هزار میلیارد تومان مربوط به بدهی بخش غیردولتی، ۲۲۸ هزار میلیارد تومان دارایی خارجی، ۱۰۷ هزار میلیارد تومان اسکناس و مسکوک و سپرده نزد بانک مرکزی، ۴۲۸ هزار میلیارد تومان سایر دارایی‌ها و ۲۵۴ هزار میلیارد تومان اقلام زیر خط است. در این حالت، تنها ۴۳ درصد از دارایی‌های نظام بانکی ایران صرف ارائه تسهیلات می‌شود که این مساله یک ضعف ساختاری در خلق نقدینگی و به گردش درآوردن پول در اقتصاد است. در ضمن حدود ۱۲ درصد از تسهیلات ارائه‌شده و همچنین اقلامی نظیر سایر دارایی‌ها و دارایی‌های زیرخط محل پنهان شدن دارایی‌های سمی است که بانک مرکزی باید آنها را شناسایی و به عموم مردم گزارش کند.

## دارایی‌های سمی در ایران

پس از نقش مخرب دارایی‌های سمی در بروز بحران در سیستم بانکی آمریکا در سال ۲۰۰۸، اینک زمزمه‌های شیوع دارایی‌های سمی در سیستم بانکی ایران نیز شدت گرفته است. دارایی‌های سمی به دلیل قفل کردن تسهیلات بانک‌ها در فرآیندی خارج از این چرخه، عملاً بخشی از دارایی‌های بانک‌ها را از مدیریت اعتباری آنها خارج و توان اعتباردهی‌شان را کاهش می‌دهند.

طبق دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های موسسات اعتباری، تسهیلات بانک‌ها در دسته‌های جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول طبقه‌بندی می‌شوند که سه قسم اخیر به عنوان مطالبات غیرجاری شناسایی می‌شوند. مطالبات غیرجاری درآمدزا نیستند و به اندازه‌ای که احتمال بازپرداخت آنها کم می‌شود، عملاً ماهیت دارایی خود را از دست می‌دهند

ایران بزرگترین سیستم بانکی اسلامی را در جهان دارد و دارایی‌های تحت قانون شریعت در این کشور بالغ بر ۴۸۲ میلیارد دلار می‌شود که این رقم یک چهارم کل دارایی‌های بانکی اسلامی در جهان و بیشتر از مجموع دارایی‌های بانکی اسلامی عربستان، مالزی و امارات است. دارایی‌های بانکی ایران همچنین ۱۰ برابر دارایی‌های بانک‌های اسلامی قطر است. در عین حال سیستم بانکی ایران تاکنون و به دلیل تحریم‌ها حضوری حاشیه‌ای در نظام بانکی جهان داشته است و بنابراین نتوانسته از مزایای رشد سریع بانکداری اسلامی در جهان بهره‌بردار. از ۱۵ بانک بزرگ اسلامی در جهان ۸ بانک متعلق به ایران هستند.

در عین حال بانک های ایرانی وضعیت خوبی از نظر سودآوری ندارند و همچنین به دلیل سیاست های نامناسب پولی یکی از بالاترین دارایی های سمی را در خاورمیانه دارند. دارایی های سمی بانک های ایرانی پس از لیبی و یمن بیشترین رقم در خاورمیانه است. ارزش دارایی های سمی ایران به طور رسمی ۳۲ میلیارد دلار اعلام شده اما رقم واقعی دو برابر این رقم است. فعالیت دولت جدید ایران با سیاست آشتی جویانه به همراه لغو تحریم ها در سال جاری می تواند وضعیت نظام بانکی ایران را به طور کلی تغییر دهد و منجر به ورود سرمایه گذاران خارجی به این سیستم، تدوین مقررات جدید بانکداری و تاسیس یک نظام رتبه بندی اعتباری محلی شود.

بانک های ایرانی در حال حاضر از قراردادهای مشارکتی که نوعی از صکوک است استفاده می کنند. این در حالی است که مزایای و اجاره محبوبیت بیشتری در خارج از ایران دارند و می توانند در کانون توجه بانک های ایرانی قرار گیرند. همچنین برنامه هایی برای توسعه صکوک در مناطق آزاد اقتصادی ایران وجود دارد.

### استاندارد های تعیین کننده حاشیه دارایی های سمی

نکته ای که در تعیین استانداردها برای نسبت «کفایت سرمایه» مطرح می شود این است که وقتی یک بانک تمام عملیات خود را با اتکا به منابع مردم انجام می دهد، آن بانک دیگر بانک سالمی نیست. چرا که به صورت اصولی، یک بانک باید نسبتی از تسهیلاتی که پرداخت می کند، از منابع خودش باشد. در استانداردهای جهانی مثل قوانین کمیته بال<sup>۴</sup> این نسبت معادل ۲۰ درصد تعیین شده است. در بال<sup>۲</sup> البته نسبت فوق که تحت عنوان نسبت کفایت سرمایه شناخته می شود، معادل ۱۲ درصد تعیین شده بود که در قانون بازنگری شده و اکنون، به ۲۰ درصد افزایش یافت تا ریسک فعالیت بانک ها که گفته می شد یکی از دلایل بروز بحران مالی اخیر در جهان بود، کاهش پیدا کند.

این نسبت در حال حاضر در ایران برای بانک های مختلف با هم تفاوت دارد اما در برخی از بانک ها حتی از صفر درصد نیز کمتر است و در برخی از بانک ها نیز زیر سه درصد است. در بانک های دولتی هم متوسط نسبت کفایت سرمایه کمتر از پنج درصد است. وجود نسبت های کفایت سرمایه پایین، ریسک صاحبان سرمایه را بالا می برد و در واقع، ریسک فعالیت بانک ها به عنوان بنگاه های اقتصادی را از صاحبان آنها گرفته و به سپرده گذاران منتقل می کند. مساله دیگر در این رابطه، اینکه برخی از سپرده های بانک ها نه توسط شرکت های وابسته سرمایه گذاری می شود و نه به صورت وام های بی بازگشت درمی آید، بلکه توسط خود بانک ها تبدیل به دارایی های غیرمولد و سرمایه ثابت به عنوان مثال با افزایش تعداد شعب می شود. بر اساس استانداردها، نسبت دارایی های غیرمولد یک بانک به منابع در آن، نباید از درصد معینی بیشتر باشد که متأسفانه این نسبت هم در هیچ یک از بانک های داخلی رعایت نشده و حجم بالایی از منابع آنها تبدیل به دارایی های ثابت و غیرمولد شده است

<sup>۴</sup> کمیته بال نهادی بین المللی است که مقررات نظارتی بانکداری در جهان را تدوین می کند.



## آثار ویرانگر دارایی های سمی بر ترازنامه بانک ها

از آنجا که در مقابل هر واحد دارایی بانکی حداقل یک واحد تعهد وجود دارد و در نظام بانکداری پیشرفته در قبال دارایی های آتی، تعهدات جدید در قالب اوراق به پشتوانه بدهی منتشر می شود، از این رو افزایش میزان دارایی سمی در صورت های مالی یک بانک ممکن است زیان های غیرقابل کنترلی در کل نظام تامین مالی به همراه داشته باشد. کاهش شدید ارزش و عدم نقدشوندگی دو عامل کلیدی ایجاد دارایی های سمی محسوب می شوند. باید توجه داشت زمانی که ارزش دارایی های یک مؤسسه مبتنی بر بازار باشد یک دارایی خوب قابلیت تبدیل شدن به دارایی های سمی را نیز دارد. دارایی هایی که خریدار نداشته و در نتیجه ارزش مشخصی نیز ندارند، اوراق رهنی و وام های پر مخاطره مثال هایی از دارایی های سمی هستند.

ارزش دارایی سمی در بازار بسیار پایین تر از ارزش دفتری آن است و به علاوه در بازار به سختی نقد می شوند. فروش این نوع دارایی اگر محال نباشد، دور از انتظار است، بر ترازنامه مؤسسات مالی تأثیرات مخرب دارد و در صورتی که سهم آنها بالا باشد مؤسسه به سرعت ورشکست می شود.

متناسب با نوع تسهیلات غیرجاری، بانکها موظف به ۱۰ تا ۱۰۰ درصد ذخیره گیری در ترازنامه هستند. هزینه ای که باید از محل سرمایه تامین شود. بخش اعظم مطالبات غیرجاری در سال های اخیر (حدود ۶۰ درصد) نیز به دسته مطالبات مشکوک الوصول با احتمال وصول پایین تعلق دارد. بر این اساس احتمالاً حجم مطالبات مشکوک الوصول بانکها در حدود ۵۶ هزار میلیارد تومان برآورد می شود. پدیده جالب در مورد ساز و کار ذخیره گیری مطالبات غیرجاری در بانک های ایران آن است که بانک های خصوصی که بالاترین درصد مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات را دارند، ضعیف ترین وضعیت را در نرخ ذخیره گیری اختصاصی نیز دارند. از طرفی نسبت مطالبات غیرجاری به سرمایه پایه بانکها از ۱/۴۵ برابر به حدود ۱/۷۵ برابر رسیده است. بیشتر بودن این نسبت از یک نشان می دهد سرمایه پایه بانکها برای پوشش ریسک عدم بازپرداخت بدهی کافی نیست و این ریسک می تواند به سپرده گذاران شبکه بانکی منتقل شود.

## امپراطوری دارایی های سمی ناسالم بودن تراز نامه بانک ها

۱- بالا بودن میزان دارایی های ثابت بانک ها از سقف استاندارد، بر اساس مقررات کمیته بال، افزایش سرمایه بانک ها باید به صورت نقدی باشد و نمی توان دارایی فیزیکی را جزو سرمایه بانک محسوب کرد چون در معرض ریسک است. . اتفاقی که در چند سال اخیر با افزایش تعداد شعب و املاک و مستغلات بانک ها رخ داد و موجب افزایش دارایی های غیرمولد آنها شد، تحت تاثیر نرخ بالای تورم و به ویژه جهش قیمت املاک بود. این

موضوع موجب شد برخی از بانک‌ها دارایی خود را به ساختمان و زمین تبدیل کنند و هر سال با تجدید ارزش این دارایی‌ها در دفاتر مالی خود، در ظاهر سودآور باشند.

اما اگر بانک‌ها در حال حاضر بخواهند این املاک و دارایی‌های خود را بفروشند، قطعاً با قیمت‌های اسمی ثبت شده فعلی در ترازنامه خود نمی‌توانند این کار را انجام دهند. چون ارزش نقدی که برای این دارایی‌ها در نظر گرفته شده، فقط روی کاغذ است و واقعی نیست. خود بانک‌ها یکی از عوامل افزایش قیمت املاک و سرقفلی‌ها در سال‌های گذشته بوده‌اند و اگر بخواهند اکنون املاک خود را عرضه کنند، حتی موجب کاهش قیمت نیز خواهند شد.

موضوع دیگر این است که قیمت ثبت شده برای این املاک در دفاتر بانک‌ها، «ارزش جایگزینی» این دارایی‌هاست و «ارزش انحلال» به صورت طبیعی خیلی از ارزش جایگزینی پایین‌تر است. بنابراین، با وجود اینکه به نظر می‌رسد بانک‌ها چاره‌ای جز فروش دارایی‌های غیرمولد خود ندارند، اما این موضوع هم دشواری‌های زیادی دارد.



شکل (۱-۱)

۲- موضوع مهم دیگر قروضی است که بانک‌ها از صندوق‌های بازنشستگی خود گرفته‌اند و در حال حاضر برخی از گزارش‌ها حجم این بدهی‌ها را بالای ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. این موضوع به صورت ویژه در بانک‌های دولتی که بعداً خصوصی شدند، شدیدتر است و صورت‌های مالی آنها که به بورس ارائه می‌شود نیز میزان نگران‌کننده بدهی‌های آنها را نشان می‌دهد. این موضوع هم بخشی از ابعاد ریسک بالای ترازنامه ناسالم بانک‌ها را نشان می‌دهد.

۳- باتوجه به اینکه نقش بانک‌ها در اقتصاد واسطه‌گری وجوه است یعنی در حالت طبیعی، منابع را از سپرده‌گذاران گرفته و در اختیار افرادی که می‌خواهند فعالیت اقتصادی مثل تولید یا تجارت کنند، قرار می‌دهند اکنون حجم نقدینگی بالاست ولی بنگاه‌ها مهم‌ترین مشکل خود را کمبود نقدینگی معرفی می‌کنند از طرفی چون جریان مالی اقتصاد، ناسالم بوده همین امر باعث می‌شود بخشی از منابع سپرده‌ها در بانک‌ها حبس شود، واز

چرخه اقتصاد و جریان مالی فعالیت های اقتصادی خارج شود و نقدینگی جایی وارد می شد که ناکارآمد بوده است و در نتیجه، منابع به مقصد نهایی نمی رسید.

## راهکار های سم زدایی دارایی های سمی

بر اساس توصیه اتحادیه اروپا، رهایی از دارایی های سمی به دو شیوه قابل انجام است:

۱- حذف دارایی های سمی از ترازنامه از طریق خرید دارایی به وسیله دولت.

۲- اصلاح ماهیت دارایی های سمی در ترازنامه از طریق تضمین دارایی به وسیله دولت.

در روش خرید دارایی از سوی دولت، دارایی سمی از ترازنامه بانک به ترازنامه نهاد دیگری (با عنوان SPV) منتقل می شود. مالکیت این نهاد به طور کلی یا جزئی به دولت تعلق دارد. در عوض، بانک در قبال دارایی معیوب وجه نقد دریافت می کند یا اینکه تمام یا بخشی از ارزش دارایی به عنوان بدهی دولت به بانک در ترازنامه درج می شود. SPV به منظور خرید دارایی معیوب ممکن است اوراق بدهی یا اوراق سهام منتشر کند. در بسیاری از نمونه های عمل شده در اتحادیه اروپا، اوراق سهام SPV به وسیله دولت، سرمایه گذاران خصوصی و خود بانک ذینفع خریداری شده است. همچنین در بسیاری از موارد دولت به جای خرید اوراق سهام، تمام یا بخشی از اوراق بدهی منتشر شده به وسیله SPV را تضمین کرده است. از آنجا که اوراق با تضمین دولت به عنوان بدهی درجه یک و بدون ریسک شناسایی می شود، بانک ذینفع و سایر بانک ها و سرمایه گذاران تمایل به خرید این نوع اوراق خواهند داشت.

در این روش، دارایی های سمی از دارایی های خوب در یک بانک یا در کل نظام بانکی جدا می شوند. این روش به شیوه های مختلف قابل انجام است. به عنوان نمونه، یک شرکت مدیریت دارایی ها (بانک بد یا حفاظ ریسک یا SPV) برای هر بانک می توان تاسیس کرد. دارایی های سمی از بانک اصلی به شرکت مدیریت دارایی ها منتقل می شود و زیان ناشی از دارایی سمی میان بانک خوب (بانک اصلی که صورت های مالی آن از دارایی های سمی پاک شده است) و دولت تقسیم می شود. روش جایگزین این است که دولت یک موسسه مستقل با عنوان بانک تجمیع کننده تاسیس کند تا دارایی های سمی تمام نظام بانکی را خریداری کند.

در روش تضمین دارایی سمی، پرتفوی دارایی های سمی در ترازنامه بانک باقی می ماند اما زیان مورد انتظار از دارایی مذکور از سوی دولت به طور کلی یا جزئی تضمین می شود. در این روش به پشتوانه دارایی های سمی، در بازار اوراق منتشر می شود و ترانشه های اول اوراق منتشر شده از سوی دولت یا بانک خریداری می شود به این ترتیب چنانچه دارایی معیوب با ضرر مواجه شود، ضرر اوراق در ترانشه های اول جذب می شود و به بازار و دارندگان اوراق منتقل نمی شود

بررسی تجربه جهانی نشان می‌دهد متعارف‌ترین سازوکار استفاده شده برای رکودزدایی از دارایی‌های سمی، «استفاده از بانک بد» یا «Fence off» است. در این روش دارایی‌های مسموم از ترازنامه بانک مسموم به ترازنامه یک نهاد خاص منظور (موسوم به بانک بد) منتقل می‌شوند. به این ترتیب بین نهاد مدیریت دارایی مسموم و بانک عاری شده از دارایی مسموم چه از لحاظ سازمانی و چه از لحاظ عملکردی مرز مشخصی ترسیم می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد این سازوکار عمدتاً به دو روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش نخست دارایی‌های سمی بانک به نوعی از سوی دولت خریداری می‌شود اما در روش مرسوم‌تر دولت اقدام به تضمین اوراقی می‌کند که از سوی بانک بد و به پشتوانه دارایی‌های سمی منتشر می‌شود.

به این ترتیب بخشی از منابع بانکی اصطلاحاً «بلوکه» می‌شود و کارایی خود را در اقتصاد از دست می‌دهد. همچنین افزایش نامتناسب و بیش از نیاز شعب بانکی باعث افزایش دارایی ثابت بانک‌ها و رکود نقدینگی می‌شود. به بخشی از منابع بانکی که از طریق مکانیزم‌های یاد شده از چرخه اعتبار خارج شده و اصطلاحاً «حبس» می‌شود، پول مسموم یا «دارایی سمی» گفته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد عامل اصلی وقوع و گسترش بحران اقتصادی جهانی در دهه ۲۰۰۰ انبساط حجم دارایی سمی در سیستم بانکی آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای درگیر بحران بود

در سال‌های پس از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای اروپایی صرف ترمیم نظام بانکی این کشورها شد. آمریکا نیز رقمی معادل دوبرابر میانگین تولید ناخالص داخلی ماهانه خود را در سال‌های پس از بحران مالی سال ۲۰۰۷ صرف ترمیم ضربه ناشی از بحران بانکی بر اقتصاد خود کرد. در این تجربیات کمک‌های دولتی به‌عنوان مهم‌ترین محرک ترمیم بانکی در قالب‌های مختلفی مانند «تزریق سرمایه»، «تضمین بدهی بانک‌ها»، «رها کردن بانک‌ها از دارایی‌های معیوب» و «حمایت از نقدینگی و تامین مالی بانک‌ها» بر اساس اصول مشخصی انجام می‌گرفت.

بر این اساس پیش از هرگونه تزریق مالی دولت به شبکه بانکی، باید وضعیت سلامت هر بانک و حجم دارایی‌های معیوب شبکه بانکی و ریسک ناشی از این دارایی‌ها به‌صورت شفاف و دقیق مشخص شده و پس از تعیین ریسک و هزینه دارایی‌های سمی، بار ناشی از حجم دارایی معیوب شبکه بانکی بین دولت، سهامداران بانک و اعتباردهندگان تقسیم شود. بر مبنای اصول اجرایی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا با وجود حجم بالای کمک‌های دولتی بخش اعظم هزینه‌ها و ریسک ناشی از دارایی‌های سمی باید کماکان بر دوش بانک‌ها قرار می‌گرفت. به این ترتیب کمک‌های دولتی در چنین شرایطی به منزله برداشتن بار مالی ناشی از دارایی‌های سمی از دوش شبکه بانکی نبود بلکه بانک‌ها تنها در صورتی این کمک را دریافت می‌کردند که با ریسک «عدم کفایت نقدینگی» و در موارد وخیم‌تر «ورشکستگی» مواجه شده باشند علاوه بر این رویکرد دولت در کمک به بانک‌ها باید رویکرد «کمک حداقلی» باشد.

بنابر تعریف بانک جهانی، دارایی‌های بانک در صورت داشتن یکی از این سه ویژگی در دسته دارایی‌های مسموم قرار می‌گیرند؛ ارزش ذاتی دارایی بسیار پایین‌تر از ارزش دارایی در بازار باشد، ارزش ذاتی و بازار دارایی تفاوت چندانی نداشته باشد، اما دارایی در آینده زیان‌آور باشد و نگه داشتن دارایی هزینه تامین مالی بانک را در بلندمدت افزایش دهد

در دوره پنج‌ساله ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، کشورهای عضو اتحادیه اروپا با بحران پدیدآمده در حوزه نقدینگی و توانایی پرداخت بانک‌ها از طریق چهار اقدام حمایتی در قالب برنامه‌های نجات و تجدید ساختار بانکی مقابله کردند.

۱- افزایش سرمایه بانک‌ها از طریق تزریق سرمایه نوع اول به بانک‌ها

۲- تضمین ابزارهای تامین مالی بانکی

۳- تزریق نقدینگی مستقیم به موسسات مالی

۴- اجرای برنامه‌های رهایی بانک‌ها از دارایی‌های سمی. اقدامات اتحادیه اروپا در بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸

اقدامات کشورهای سوئد، فرانسه، ایتالیا و سوئیس در دهه ۹۰ در خصوص دارایی‌های سمی بر استراتژی اتحادیه اروپا در بحران مالی ۲۰۰۸:

۱- سوئد در دهه ۹۰ با بحران بانکی شدیدی مواجه شد به نحوی که ضرر ناشی از تسهیلات معوق در این کشور بالغ بر ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی شد. دولت سوئد برای خروج از بحران دو شرکت مدیریت دارایی‌های بانکی تاسیس کرد تا در خصوص تسهیلات غیرجاری (دارایی‌های بدون گردش) اقدام کنند. دارایی‌های بانک‌های دچار مشکل به دو گروه دارایی‌های خوب و دارایی‌های بد تقسیم شدند. دارایی‌های بد به دو شرکت مدیریت دارایی انتقال یافت. یکی از ویژگی‌های برنامه سوئد این بود که بانک‌ها را مجبور می‌کرد زیان ناشی از تسهیلات غیرجاری را به طور کامل شناسایی و در صورت‌های مالی افشا کنند و در ضمن، ارزش دارایی‌های ملکی و سایر دارایی‌ها را به صورت واقعی و بر مبنای ارزش بازار در صورت‌های مالی اعلام کنند. به این منظور نهاد نظارت مالی بر بانک‌ها مقررات سختگیرانه‌ای وضع کرده بود و یک گروه ارزش‌گذاری خبره به منظور نظارت بر صورت‌های مالی بانک‌ها تشکیل شده بود. علاوه بر این تمام ارزش‌گذاری‌های بانکی به وسیله گروه‌های خبره راستی‌آزمایی می‌شد تا پایین‌ترین کف قیمت برای دارایی‌ها تعیین شود. در بلندمدت عملکرد این دو شرکت مدیریت دارایی موفقیت‌آمیز بود و درآمد حاصل از پرتفوی دارایی‌های این دو شرکت با حمایت‌های مالی و بودجه‌ای دولت به بانک‌ها تراز شد.

۲- در فرانسه یک نهاد عمومی با برخورداری از ضمانت نامحدود دولتی به منظور تملک و نقد کردن دارایی‌های سمی بانک کردیت لیوناژ که بزرگ‌ترین بانک فرانسه در اوایل دهه ۱۹۹۰ بود، تشکیل شد. این نهاد عمومی (بانک بد) دارایی‌های سمی بانک کردیت لیوناژ را از طریق دریافت تسهیلات از همان بانک تملک می‌کرد. این اقدام دو منفعت برای بانک کردیت لیوناژ داشت. اول، با فروش دارایی‌های سمی، بانک زیان مربوط به این دارایی‌ها را از ترازنامه خارج می‌کرد. دوم، با توجه به اینکه تسهیلاتی که بانک کردیت لیوناژ به بانک بد می‌داد از ضمانت ۱۰۰ درصد دولت برخوردار بود از این‌رو دارایی سمی پریسک با تسهیلات ضمانت‌شده دولت با ریسک صفر جایگزین می‌شد. به این ترتیب ریسک موزون دارایی‌های بانک به شدت کاهش می‌یافت. در این روش فرانسوی، بانک خوب و بد به طور ساختاری و سازمانی مستقل از یکدیگر طراحی شده بودند و احتمال ایجاد تضاد منافع به حداقل می‌رسید. البته از آنجا که دارایی‌های سمی به قیمت دفتری به بانک بد منتقل شده بودند، سهامداران در مقابل ریسک زیان دارایی‌های سمی محافظت شدند اما دولت طی سال‌های بعد با زبان قابل ملاحظه‌ای مواجه شد.

۳- در ایتالیا، بانک ناپولی بعد از انتقال زیان ناشی از دارایی سمی به سهامداران، به دو بانک خوب و بد تقسیم شد. بانک بد از طریق دریافت تسهیلات یارانه‌ای از بانک مرکزی و با گارانتی خزانه، دارایی‌های سمی بانک ناپولی را خریداری کرد و بانک خوب (بانک ناپولی عاری از دارایی سمی) بعد از یک سال خصوصی شد.

۴- در آلمان، اخیراً دارایی‌های بد بانک لندس مورد معامله قرار گرفته است. ۱۷/۵ میلیارد یورو دارایی بد به یک شرکت SPV فروخته شد تا این شرکت این دارایی‌ها را تا زمان سررسید نگهداری کند. بانک مالک دارایی‌های بد، حدود ۱۷ درصد ارزش اسمی دارایی‌های بد ضمانت ضرر و زیان صادر کرد. در این معامله، دولت چهار درصد از ضرر احتمالی را تضمین کرد. در واگذاری دیگر، پرتفوی دارایی‌های بد به ارزش ۲۳ میلیارد یورو به شرکت SPV منتقل شد و دولت تا پنج میلیارد یورو ضرر این دارایی‌ها را تضمین کرد. در قبال دریافت پنج میلیارد یورو پوشش ریسک، ۵/۰ درصد حق ضمانت به دولت پرداخت شد.

۵- در سوئیس، صندوقی ایجاد شد که بانک یوبی‌اس، دارایی‌های سمی خود را پس از ارزش‌گذاری از سوی نهاد ثالث به این صندوق منتقل کرد. برای تامین مالی این صندوق، دولت ابتدا در قالب اوراق قابل تبدیل به سهام، سرمایه به بانک یوبی‌اس تزریق کرد و بانک این اوراق را پشت‌نویسی کرده و به صندوق منتقل کرد. بخشی از سرمایه صندوق نیز از طریق تسهیلات بانک مرکزی سوئیس تامین شد.

## حاکمیت شرکتی

تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است. تعاریفی که در ادامه ارائه می‌شود گزیده ای از نگرش‌های مختلف به حاکمیت شرکتی را نشان می‌دهد.

از منظر فدراسیون بین المللی حسابداران (۲۰۰۴) «حاکمیت شرکتی، شیوه های به کار گرفته شده توسط مدیران شرکت با هدف تعیین راهبردهایی است که موجب دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده، کنترل ریسک و مصرف بهینه منابع می شود». بر اساس گزارش کادبری (۱۹۹۲) «حاکمیت شرکتی سیستمی است که شرکت ها را هدایت و کنترل می کند. تمرکز اصلی بر ایفای وظیفه مدیران ارشد سازمانی در رعایت اصول شفافیت، درستکاری و پاسخگویی است». به اعتقاد بانک جهانی (۲۰۰۱) نیز «حاکمیت شرکتی برای برقراری تعادل بین اهداف اقتصادی و اجتماعی و نیز اهداف فردی و عمومی است. حاکمیت شرکتی موجبات استفاده موثر از منابع و الزام به پاسخگویی را فراهم می سازد. هدف اصلی آن است که منافع شرکت، افراد (ذینفع) و جامعه تا حد ممکن به هم نزدیک شوند» (حساس یگانه، ۱۳۸۵، ص ۳۳). از منظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۴) نیز «حاکمیت شرکتی شامل مجموعه روابط بین مدیران اجرایی، اعضای هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت است. همچنین ساختاری برای تدوین اهداف شرکت و راه های دستیابی به اهداف و نیز چگونگی ارزیابی و نظارت بر عملکرد را شامل می شود». از دیدگاه سولمون و سولمون<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) حاکمیت شرکتی سیستمی است که هم شرکت های داخلی و هم شرکت های خارجی را کنترل و هماهنگ می نماید تا از ایفای مسئولیت شرکت ها در قبال سهامداران خود و همچنین مسئولیت های اجتماعی که برای انجام فعالیت های تجاری در جامعه دارند اطمینان حاصل نماید.

### بازیگران عرصه حاکمیت شرکتی

بازیگران حاکمیت شرکتی را می توان در سه دسته بازیگران داخلی، بازیگران خارجی و هیات مدیره ها تقسیم بندی نمود. این تقسیم بندی در شکل زیر ارائه شده است.

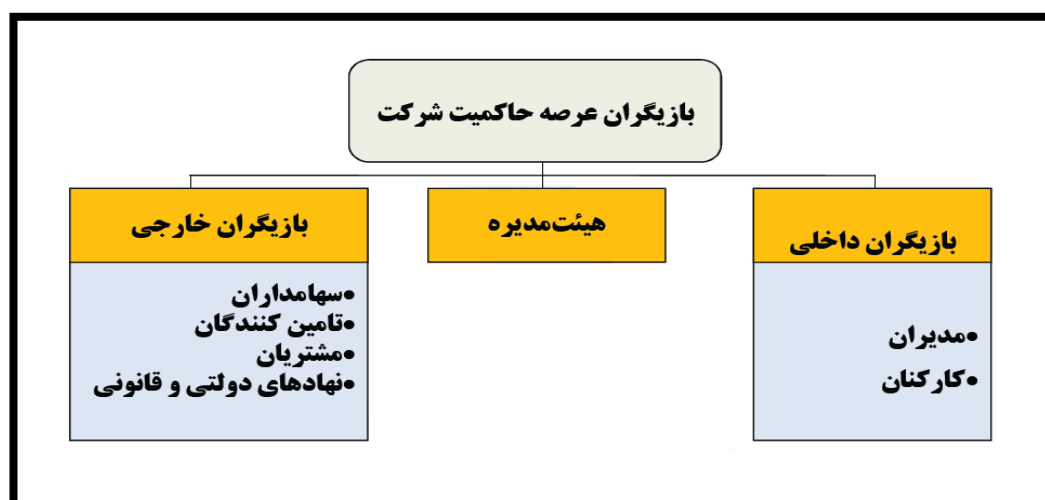
البته در برخی تقسیم بندی ها نیز می توان اعضای مستقل هیات مدیره را از جمع بازیگران خارجی و اعضای اجرایی هیات مدیره را، از جمله بازیگران داخلی شرکت برشمرد. در تقسیم بندی دیگر، این گونه بازیگران را می توان به سرمایه گذاران، تأمین کنندگان منابع انسانی مورد نیاز و اعضای تیم های مدیریت شرکتی تفکیک نمود. (آگوایرلا و جکسن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). براساس تقسیم بندی اول، بازیگران داخلی را می توان شامل کسانی دانست که تصمیمات شرکتی را اتخاذ نموده و به اجرا در می آورند، در حالیکه بازیگران خارجی کسانی هستند (حقیقی یا حقوقی) که سعی در اعمال نفوذ و کنترل بر تصمیمات شرکت را دارند (مینتزبرگ<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳).

<sup>5</sup> Solomon and Solomon

<sup>6</sup> Aguilera and Jackson

<sup>7</sup> Mintzberg

## نگاره (۱-۲) بازیگران عرصه حاکمیت شرکتی



از این رو مدیران و کارکنان درون شرکت را می‌توان به عنوان بازیگران داخلی و سهامداران، تأمین کنندگان، مشتریان، نهادهای دولتی و قانونی و ... را تحت عنوان بازیگران خارجی معرفی نمود. هیات مدیره‌ها را نیز می‌توان به عنوان گروه سوم مد نظر قرار داد که بعضاً به جهت آنکه می‌توانند هم در قالب بازیگران داخلی و هم تحت دسته بازیگران خارجی قرار گیرند مستقل از دو دسته دیگر تعریف نمود (حساس یگانه، ۱۳۸۵، ۳۹).

### ساختار حاکمیت شرکتی

ساختار حاکمیت شرکتی را می‌توان به دو نوع حاکمیت شرکتی درون سازمانی<sup>۸</sup> و حاکمیت شرکتی برون سازمانی<sup>۹</sup> طبقه بندی نمود که هر یک دارای سازوکارهای خاص خود می‌باشند. حاکمیت شرکتی درون سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت‌های فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است بنیانگذار یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانکهای اعتباردهنده، شرکت‌های دیگر یا دولت باشند. ساز و کارهای حاکمیت درون سازمانی عبارتند از:

- هیات مدیره: انتخاب و استقرار هیات مدیره توانمند، خوش نام و بی طرف
- مدیران اجرایی: تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیران اجرایی و استقرار نرم افزار مناسب
- مدیران غیر اجرایی: ایجاد کمیته حسابرسی با حضور اعضای هیات مدیره و مدیران اجرای سابق و خوش نام در کمیته‌های مختلف شرکت
- کنترل داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب (مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و ...)
- اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین نامه رفتار حرفه‌ای

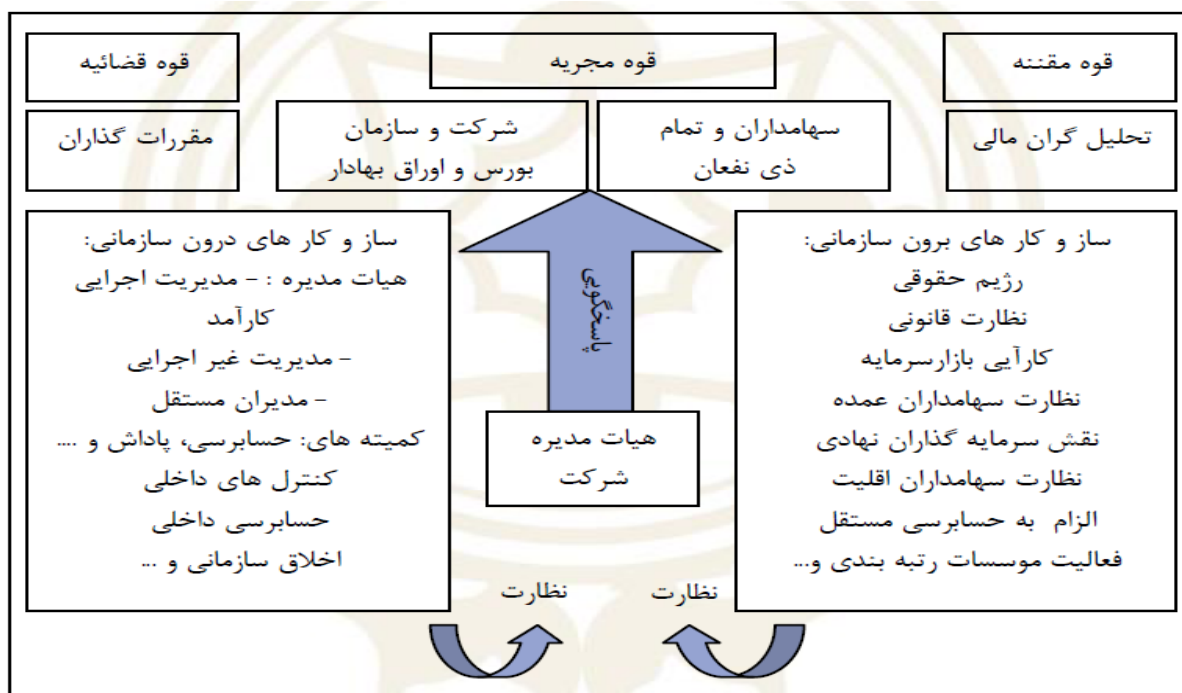
<sup>8</sup> Insider Corporate Governance

<sup>9</sup> Outsider Corporate Governance



حاکمیت شرکتی برون سازمانی ، به سیستم های تأمین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد که در آن، شرکت های بزرگ توسط مدیران کنترل می شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می شود. ساز و کارهای حاکمیت برون سازمانی شامل موارد زیر می باشند:

- نظارت قانونی (تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب)
  - رژیم حقوقی (برقراری نظام حقوقی مناسب)
  - کارایی بازار سرمایه (گسترش بازار و تقویت کارایی آن)
  - نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت هایی مانند خرید سهام
  - نقش سرمایه گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه گذاران نهادی
  - نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران جزء و اقلیت
  - الزامی کردن حسابرسی مستقل
  - فعالیت موسسات رتبه بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت های موسسات مذکور
- نگاره (۱-۳) ساختار حاکمیت شرکتی



### اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک ها

بانکداری و بخش مالی از سایر بخش ها و صنایع از بسیاری جهات متفاوت بوده و همین تفاوت ها باعث شده است که اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک ها مهم تر از سایر صنایع و بخش ها باشد، برخی از این تفاوت ها عبارت اند از:

۱- برخلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تامین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی می‌شود که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث می‌شود مسوولیت امانتداری بیشتری متوجه بانک‌ها و مدیرانشان باشد؛ چراکه وجوه سپرده‌گذاران باید به مناسب‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

۲- نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند نظام مالی را بی‌ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام یافته بر اقتصاد تحمیل کند؛ چراکه این بانک‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدامیک از کاربران نهایی منابع مالی را دریافت کنند و ابزارهای پرداخت مربوطه را در این زمینه فراهم می‌کنند. در واقع ریسک نظام یافته به این دلیل به وجود می‌آید که بانک‌ها معمولاً انگیزه دارند ریسک‌های مالی را در سطح پایین قیمت‌گذاری کنند (به عنوان مثال، اعطای تسهیلات پر ریسک)؛ زیرا نمی‌خواهند هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های ریسک‌دار را خود متحمل شوند. این‌گونه ریسک‌ها سرانجام باعث ایجاد کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به بخش بانکی (هجوم مردم) و بحران بانک خواهد شد.

۳- بانک‌ها باید از دید سپرده‌گذاران مسوول و معتبر باشند (به بیان دیگر، بانک‌ها باید خود را در مقابل ریسک‌های شهرت حفاظت کنند) تا بتوانند ریسک احتمالی هجوم سپرده‌گذاران به بانک برای برداشت سپرده‌هایشان را مدیریت کنند. به عبارت دیگر، با توجه به نسبت بالای بدهی به دارایی و تفاوت در سررسید بدهی‌ها (مانند اکثر سپرده‌ها) و دارایی‌هایش (مانند تسهیلات بلندمدت)، بانک‌ها نمی‌توانند هر موقع که بخواهند تسهیلات اعطایی خود را از تسهیلات گیرندگان مطالبه کنند، لیکن سپرده‌گذاران در هر زمان می‌توانند سپرده‌های خود را مطالبه کنند که این مساله باعث می‌شود نسبت به سایر بنگاه‌ها با ریسک بالاتری مواجه باشند.

۴- ترازنامه بانک‌ها غیرشفاف‌تر از ترازنامه سایر موسسات غیرمالی است. کیفیت دارایی‌های اصلی بانک (یعنی تسهیلات) اغلب غیرشفاف است؛ چراکه کیفیت تسهیلات به راحتی قابل مشاهده نیست، در حالی که کیفیت دارایی‌های شرکت‌های صنعتی، به خصوص دارایی‌های فیزیکی مانند ماشین‌آلات ملموس‌تر است. سایر دارایی‌هایی که بانک در آنها سرمایه‌گذاری می‌کند نیز دارای چنین ویژگی است، مانند اوراق بهادار، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی‌ها و تعهدات بدهی وثیقه‌دار. در واقع، بحران مالی در پاییز ۲۰۰۸ تا حد زیادی به دلیل چنین پیچیدگی‌هایی به وجود آمد. به عبارت دیگر نامتقارن بودن اطلاعات در بانک‌ها بسیار بیشتر از سایر بنگاه‌ها است. در این شرایط، بسیاری از ذی‌نفعان انگیزه بسیار کمی برای نظارت بر عملکرد بانک‌ها دارند.

۵- بانک‌ها به عنوان واسطه‌های مالی از طریق وام‌دهی و سرمایه‌گذاری وجوه تجهیز می‌شوند و با تامین وجوه فعالیت‌های اقتصادی سایرین فعالیت می‌کنند. با توجه به نقش کلیدی بانک‌ها در اقتصاد تمامی کشورها، لزوم حاکمیت شرکتی قدرتمند برای بانک‌ها بیش از پیش آشکار می‌شود.

۶- بانک‌ها نمایندگان نظام پرداخت هستند که پرداخت را در سطح ملی و بین‌المللی از طریق ابزارهای مختلفی مانند: حساب‌های بانکی، انتقال وجوه، کارت‌های اعتباری و غیره تسهیل می‌بخشند.

۷- به دلیل اعتقاد و اطمینان عموم مردم به ثبات و استحکام نظام بانکی است که بانک‌ها قادر به انجام فعالیت‌های خود هستند. تاریخچه شکست بانک‌ها در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که نااطمینانی مردم به بانک‌ها می‌تواند به سرعت فراگیر شده و به سادگی منجر به ایجاد وضعیت بحرانی در نظام بانکداری شود.

۸- بانک‌ها موسساتی با اهرم مالی بالا هستند: یعنی آنها با پولی که از سپرده‌گذاران دریافت کرده‌اند، اقدام به اعطای تسهیلات می‌کنند و باید در برابر سپرده‌گذاران مسوول باشند. در واقع، با توجه به حاشیه سود ناشی از اعطای تسهیلات، سود بانک مستقیماً متناسب با حجم تسهیلات‌دهی آن افزایش می‌یابد. لیکن از سویی، افزایش تسهیلات‌دهی باعث افزایش احتمال نکول می‌شود؛ بنابراین، در یک سطح مشخصی از سرمایه، سرمایه بانک‌ها برای ایفای تعهداتشان در مقابل سپرده‌گذاران کاهش خواهد یافت و ریسک کفایت سرمایه آنها افزایش می‌یابد.

۹- بانک‌ها بخش چشمگیری از فعالیت‌های خود را با همکاری سایر بانک‌ها انجام می‌دهند. به بیان دیگر، بانک‌ها به شدت به یکدیگر وابسته‌اند. بنابراین برخلاف سایر صنایع، رقبا در صنعت بانکداری، شرکای تجاری یکدیگر نیز به شمار می‌آیند و می‌توانند ریسک طرف مقابل را بر یکدیگر تحمیل کنند. علاوه بر این، مشکلات یک بانک می‌تواند به سرعت به سایر بانک‌های موجود در نظام بانکی منتقل شود.

۱۰- به دلیل اهمیت نظام یافته بانک‌ها از یک سو و آسیب‌پذیر بودنشان از سوی دیگر، بانک‌ها تحت مقررات و نظارت‌های شدیدی قرار دارند. مقررات بانکی میزان ریسکی که بانک می‌تواند بپذیرد و همچنین اکسپوزر بانک را به یک مشتری یا یک گروه خاص از مشتریان محدود کرده و با وضع استانداردهایی برای مدیریت نقدینگی، ریسک ناشی از عدم دسترسی به نقدینگی کافی را مورد توجه قرار می‌دهد.

### وظایف حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

- اهداف و استراتژی‌های بانک را تعریف می‌کنند؛
- کارکنان را انتخاب و به کار می‌گیرند؛
- امورات روزانه بانک را انجام می‌دهند؛
- منافع سپرده‌گذاران را حفاظت کرده، تعهدات سهامداران را ایفا نموده، و به منافع سایر ذینفعان توجه دارند
- فرهنگ سازمانی را شامل رفتار و فعالیت‌هایی که بانک انتظار دارد به شیوه‌های ایمن و سلامت اجرا شود با حفظ یکپارچگی و انطباق کامل با قوانین و مقررات، ترویج مینمایند
- عملکردها و نظام‌های کنترلی را استقرار می‌دهند.

حاکمیت شرکتی صحیح به ناظران این اجازه را می‌دهد تا بر فرآیندهای داخلی بانک اعتماد بیشتری نمایند. در این راستا، تجربیات بخش‌های نظارتی نشان می‌دهد، چنانچه سطح مناسبی از اختیار، مسئولیت

پاسخگویی و کنترل و توازن در هر مؤسسه اعتباری وجود داشته باشد، بازرسان اعتماد بیشتری به انطباق نحوه عملکرد مدیران ارشد و حتی هیأت مدیره با مقررات موضوعه داشته و اطلاعات دریافتی و یافته های حسابرسی داخلی آن مؤسسه اعتباری را با قابلیت اتکاء بیشتری بررسی مینمایند. اصول بهبود حاکمیت شرکتی که توسط کمیته بال در اکتبر ۲۰۱۰ منتشر شد مبین پیشرفت محرز در تلاش های دیرپای کمیته پیرامون ارتقاء رویه های حاکمیت شرکتی صحیح در سازما نه های بانکی است. اصول ۲۰۱۰، سعی در بازتاب نکات کلیدی و مهم بحران مالی جهانی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد و همچنین امکان فراهم آوردن چگونگی خودکنترلی بان کها و نحوه نظارت ناظران بر این حوزه بسیار مهم را دارد. به طور کلی، بانک ها شناخت بیشتری نسبت به مؤلفه های مهم حاکمیت شرکتی از قبیل نظارت مؤثر هیأت مدیره، مدیریت ریسک دقیق، کنترل داخلی مؤثر، الزامات رعایت و سایر زمین ههای مرتبط را کسب نمود هاند. به علاوه، بسیاری از بان کها پیشرف تهایی در ارزیابی مهارت ها و ویژگی های عمومی هیأت مدیره، تشکیل شورای مستقل کمیته های ریسک، سازماندهی و ارتقاء نقش مدیر ارشد ریسک و هماهنگی میان موضوعات مطروحه پیرامون هیأت مدیره و کمیته های حسابرسی و ریسک حاصل نموده اند.

پیاده سازی حاکمیت شرکتی کارآمد و سالم، مستلزم داشتن زیربنای قانونی، نظارتی و نهادی مناسب است. عوامل گوناگونی از جمله نظام قانونی کسب وکار، قوانین بازار سرمایه و استانداردهای حسابداری، می توانند یکپارچگی بازار و ثبات نظامیافته را تحت تأثیر قرار دهند. گرچه، چنین عواملی اغلب خارج از محدوده نظارت بانکی هستند. با این وجود، ناظران به شناخت موانع قانونی و نهادی حاکمیت شرکتی صحیح و سالم می پردازند و همچنین در جهت ایجاد مبنای اجرایی برای حاکمیت شرکتی گام برم یدارند؛ چرا که آنان باید از اختیارات قانونی برای انجام این امور برخوردار باشند. اگر چنین نباشد، ناظران ممکن است خواستار حمایت قانونی و انجام اصلاحاتی در قوانین و مقررات مربوطه باشند که برای آنها نقش مؤثرتر از جمله اجازه مداخله مستقیم در پیاده سازی و التزام بانکها به اجرای اصول حاکمیت شرکتی صحیح و سالم را تبیین نمایند. اصول حاکمیت شرکتی صحیح و سالم، باید در بانک های دولتی یا بانک های مورد حمایت دولت، حتی در مواقعی که چنین حمایتی موقت است اجرا و پیاده سازی شود.

### موانع و مشکلات حاکمیت شرکتی دربانک ها

فقدان فرهنگ سازمانی و نگرانی از افشای اطلاعات و ایجاد شفافیت، فقدان نظام آمار و اطلاعات یکپارچه در کشور، تسلط رویه های و ساختارهای ناکارآمد دولتی در نظام اقتصادی، دخالت های خارج از نظام بانکی نظیر تسهیلات تکلیفی با انتصابات همچنین فقدان حاکمیت مدیریت ریسک در نظام بانکی ایران از جمله موانع ساختاری و نهادی بر سر راه تحقق حاکمیت شرکتی هستند. همچنین تسلط نسبی نهادهای عمومی غیردولتی و نیز مشکلات ویژه سهامداران خرد، عدم رعایت اصل هفتم حاکمیت شرکتی و نیز مسائلی در خصوص تسهیلات کلان از دیگر عوامل در این حوزه است. نقص عدم ارزیابی بانکها از نظر رعایت اصول حاکمیت شرکتی از موانع مربوط به سیستم نظارتی و کنترلی محسوب می شود؛ کافی نبودن اختیارات قانونی در نظارت بانکی برای

برقراری حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌ها و عدم امکان مداخله بانک مرکزی در تدوین مقررات مرتبط با حاکمیت شرکتی مناسب در اداره بانک‌های دولتی به دلیل مجموعه مقررات، رویه‌ها و فرآیندهای حاکم بر بانک‌های دولتی از دیگر موانع هستند. موانع مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌های بزرگ دولتی نیز شامل مشکلات مربوط به اساسنامه بانک‌های دولتی است که اجازه می‌دهد، سهامدار اصلی مطابق با قانون یا اساسنامه در اداره امور بانک دخالت کرده و برای تجهیز یا تخصیص منابع آن برنامه‌ریزی کند.

یک لایه بودن ساختار مدیریت ارشد بانک سبب شده که هیات‌مدیره علاوه بر سیاست‌گذاری و نظارت موظف به اجرای سیاست‌های تعیین شده از سوی خود نیز باشد و اینها از موانع حاکمیت شرکتی است. همچنین فقدان انگیزه دولت برای افشای اطلاعات و ایجاد شفافیت در عملکرد بانک و تشریفات بودن کمیته‌های حاکمیتی از موانع مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌های بزرگ دولتی است. فقدان سند اجرایی تحت عنوان اصول حاکمیت شرکتی مربوط به نظام بانکداری ایران که برگرفته از مقررات بازل بوده و مطابق با قوانین، مقررات و الزامات قانونی کشور بومی شده باشد از دیگر موانع قانونی تحقق حاکمیت شرکتی است. از سوی دیگر، فقدان قانون و مقررات صریح در اجبار به رعایت همه اصول و ارکان حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری کشور از مشکلات دیگر است، اگرچه در قانون پولی بانکی و قانون تجارت مواردی در این زمینه وجود دارد.

در این زمینه باید توجه داشته باشیم که بیشتر مواردی که درخصوص رعایت ارکان حاکمیت شرکتی به بانک‌ها ابلاغ شده جنبه رهنمود داشته و تا لازم‌الاجرا شدن این مقررات به زمان زیادی نیاز دارد زیرا موانع عمده‌ی برای حاکمیت شرکتی در بانک‌های کشور وجود دارد.

### نقش حاکمیت شرکتی بر دارایی‌های سمی:

گفتنی است قدرتی که بر اساس دستورهای ویژه و فراقانونی توسط مقامات مسوول شکل می‌گیرد. در برخی موارد می‌بینیم این دستورها اجازه نمی‌دهد فعال اقتصادی تسهیلات دریافت کند، عملاً همین دستورات باعث میشود منابع به سمت اختلاس گران هدایت شود و این دستوردهندگان نیز از این واگذاری‌ها منافع‌شان تامین شود.

در سال‌های اخیر در آمریکا، اروپا و خاور دور نمونه‌هایی از این تجربه وجود داشته است. اشاره کردم که وقتی بانک‌ها از وظیفه اصلی خود یعنی واسطه‌گری و اعطای تسهیلات خارج شده و به سمت سرمایه‌گذاری می‌روند، ریسک بالایی را به سپرده‌گذاران خود تحمیل میکنند.

این موضوع میتواند با گذشت زمان، به زیان ده شدن بانک ها و وابستگی آنها به دولت منجر شود. در آمریکا زمانی میگفتند برخی از بنگاه ها و بانک ها بیش از حد بزرگ هستند که بخواهند ورشکسته شوند، اما دیدیم که در نهایت دولت آمریکا بزرگ ترین بانک های این کشور را نیز ورشکسته کرد و دارایی آنها را در اختیار گرفت.

اگر ترکیب دارایی های سمی را بررسی کنیم می بینیم تقریباً به اندازه ای که دولت به بانک ها بدهکار است، بانک های خصوصی تسهیلات پرداخت کرده اند. این تسهیلات به چه کسانی پرداخت شده است؟ معوقات چگونه شکل گرفته و بدهکاران چه کسانی بودند و هستند؟ با این نظام بانکی طبیعی است که مراکز قدرت تغییر کنند. البته لازم به ذکر است که مراکز قدرت پیش تر تغییر کرده بودند و پس از بروز این تغییرات بود که توانستند با به کارگیری نفوذشان، این حجم دارایی مسموم از طرف بانک ها را ایجاد کنند اما همانطور که پیش بینی میشود جراحی دارایی های سمی میتواند دوباره پایگاه سیاسی برخی گروه ها را دستخوش تغییرات جدی کند.

از سوی دیگر قطعاً مدیریت بانک ها هم در بروز این اشکالات نقش اساسی داشت، اما سیاست های پولی و مالی دولت و عدم استقلال بانک مرکزی را هم می توان یکی از زمینه های عمده بروز این معضل عنوان کرد. در نتیجه این سیاست ها، تورم زیادی ایجاد شد که به فضای اقتصاد کلان آسیب زیادی وارد کرد و بعد، سیاستگذار با سرکوب نرخ های سود بانکی در سطوح کمتر از تورم، مشکلات موجود را تشدید کرد. همزمان، بانک مرکزی هم به دلیل وابستگی به دولت از تدوین مقررات بانکداری مناسب و نظارت کارآمد، ناتوان بود.

در کنار این موضوع، ساختار دولتی که بر شبکه بانکی ایران سیطره دارد، کارایی این سیستم را پایین آورد. دولت هم در مسیر تخصیص بهینه منابع از طریق واسطه گری بانک ها، اختلال به وجود آورد که نمونه بارز آن، پررنگ شدن سیاست «تسهیلات تکلیفی» یا طرح هایی مثل مسکن مهر و بنگاه های زودبازده بود که منابع بانکی را صرف مقاصدی کرد که بازدهی زیادی نداشت و در عوض دارای ریسک عدم بازگشت بالایی بود. سایر معضلات و بیماری های اقتصاد ایران مثل عدم شفافیت و شرایط منفی سال های گذشته نیز روی تشدید این شرایط اثر گذاشت.

**ضرورت و اهمیت پژوهش:**

به رغم این که اصطلاح "حاکمیت شرکتی" در دو دهه اخیر بارها و بارها مورد بحث متخصصان مالی و امور شرکت ها و اقتصاددانان جهان قرار گرفته و گاه روایت های متفاوت و متضادی نیز پیدا کرده است، در ایران بخصوص در صنعت بانکداری هنوز به گونه ای ارزشمند و به قاعده بررسی نشده است

در سالهای اخیر شاهد عدم وجود کنترل داخلی کارا و اثربخش در صنعت بانکداری بوده ایم. از طرفی حجم تسهیلات غیرجاری بانک ها نیز افزایش یافته است. بنابراین بانک ها باید با در نظر گرفتن ذخایر مالی کافی با مشکل نکول شدن وام های اعطایی مقابله کنند. در صنعت بانکداری سیستمهای کنترل داخلی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به نظر میرسد که بانک هایی که سیستمهای کنترل داخلی ضعیف تری دارند در اعطای تسهیلات مالی نیز عملکرد ضعیفی خواهند داشت. در نتیجه شاید منطقی به نظر برسد که بین ضعف کنترل داخلی و میزان ذخایر تسهیلات غیرجاری بانکی ارتباطی وجود داشته باشد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی همین فرضیه است.

### نتیجه گیری:

باتوجه به اینکه هدف غایی این پژوهش بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر سرکشی امپراطوری دارایی های سمی است و حاکمیت شرکتی وظایف خطیری از جمله تعیین کننده نحوه تفویض اختیار و مسئولیت در فعالیت ها و امور بانکی است که توسط هیأت مدیره و مدیریت ارشد اداره می شوند، و چون هیأت مدیره مسئول امور کلی بانک مبنی بر تصویب و نظارت بر اجرای اهداف راهبردی، چارچوب راهبری و فرهنگ سازمانی بانک است که در عوامل اصلی شکل گیری دارایی های سمی خصوصا مطالبات غیرجاری نقش مهمی دارند، بنابراین حاکمیت شرکتی مؤثر و کارا، امری ضروری در عملکرد مناسب سم زدایی دارایی ها، بخش بانکی و به طور کلی اقتصاد تلقی می شود. عملیات بانکی نقش مهمی در اقتصاد به عنوان واسطه گر و جوه میان سپرده گذاران و فعالیت هایی که از کسب و کار حمایت نموده و به رشد اقتصادی کمک مینمایند، ایفا میکند. ایمنی و سلامت بانکها از جمله مسائل کلیدی ثبات مالی هستند؛ لذا، خط مشی که به موجب آن بانک ها کسب و کار خود را پیش می برند برای سلامت اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. ضعف حاکمیت شرکتی در بانک ها، نقش مهمی را در نظام مالی ایفا نموده و باعث انتقال مشکلات آن بانک در سراسر بخش بانکی و کل نظام اقتصادی می شود. از سوی دیگر هدف اصلی حاکمیت شرکتی باید متمرکز بر حفاظت از منافع ذینفعان در راستای منافع عمومی مبتنی بر رویه ای پایدار باشد در میان ذینفعان، به ویژه با تأکید بر بانک های خرد، منافع سپرده گذاران نسبت به منافع سهامداران در اولویت قرار خواهد گرفت.

## تشر و قدردانی

خداوندا به ما توفیق تلاش در شکست، صبر در نومی، رفتن بی همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی دنیا، مذهب بی عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، ایمان بی ریا، خوبی بی نمود، گستاخی بی خامی، مناعت بی غرور، عشق بی هوس، تنهایی در انبوه جمعیت و دوست داشتن بی آنکه دوستت بدارند، را عنایت فرما.

از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگوارم که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یآوری بی چشم داشت برای من بوده اند.

و در نهایت از تمام استاتید بزرگوار که در دوران تحصیل از وجودشان بهره بردم کمال تشکر را دارم.



## مراجع

- ۱- احمدریاحی بلکویی، ترجمه علی پارسائیان تهران ، تئوری های حسابداری، انتشارات ترمه، سال ۱۳۹۰
- ۲- بهزاد فخار، رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی برای بانک ها، از انتشارات کمیته بال، ژوئیه ۲۰۱۵
- ۳- روشندل، محمد: راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران. گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
- ۴- رحمانی، علی: استقرار نظام راهبری شرکتی: تجربه بورس اوراق بهادار تهران، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، شرکت بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۹۲
- ۵- بهرامی، م.، امین آزاد، " (ا.ا) راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران . " تهران : بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل نظارت بر بانک ها و مؤسسات اعتباری، اداره مطالعات و مقررات بانکی ۱۳۸۷
- ۶- جهانخانی، علی و پارسائیان، علی، ، مدیریت مالی، تهران، انتشارات سمت. ۱۳۷۶
- 7 -مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۰، گزارش عملکرد بانک های کشور ، بیست و دومین همایش بانکداری

اسلامی 1389

[8] Akhtar, Sh: Corporate Governance for Banks, IBP Convention, Lahore, 2008.  
Alsabah, Sh. S: The Role of Central Banks in Defining Corporate Governance in Banks, Governor's Speech Publication, Lebanon, 2005.

[9] Arun, T. G. & Turner, J. D., Corporate Governance of Banks in Developing Economies: Concepts and Issues, Working Paper.  
Ayoun, M. A: The Role of Central Bank in Promoting Corporate Governance, Egyptian Banking Institute, 2003

[10] Kohler, M: Corporate Governance and Current Regulation in the German Banking Sector: An overview and Assessment. Center for European Economic Research, Discussion Paper No. 10-002,2010.

[11] Mulbert, P: Corporate Governance of Banks after the Financial Crisis – Theory, Evidence, Reforms, European Corporate Governance Institute,2010.

[12] Solomon , A and Solomon, J. (2004), “corporate governance and accountability”, John Wiley & Sons, London.

[13] Shleifer ,A. , Vishny ,RW. (1997).” A Survey of Corporate Governance”, Journal of Finance, Vol .52.No 2.pp. 737-783

[14] Arzu Tektas, E. Nur Ozkan-Gunay and Gokhan Gunay,2005," Asset and liability management in financial crisis", Emerald.

[15] Cemal Bark Oguzsoy, Sibel Guven.1995, "Theory and Methodology Bank asset and liability management under uncertainty",Elsevier.

[16] Kyriaki Kosmidou, Constantin Zopounidis , 2002,"A multicriteria methodology for bank asset liability management", Springer.

[17] Kyriaki Kosmidou, Constantin Zopounidis,2004,"Goal programming techniques for bank asset liability management",Springer Science + Business Media.

[18] Mohapatra, Subhalaxmi, and Chakraborty, Suman, 2009, "An Empirical Study of Asset Liability Management Approach by the Indian Banks", The IUP Journal of Bank Management, Vol. VIII, Nos. 3 & 4, pp. 7-13.